نگاهی به ۵ شخصیت عاشورایی که همراه با امام حسین(ع) جنگیدند و شهید شدند

یاران تا ابد

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

تقسیم‌بندی‌های مختلفی درباره تعداد یاران و شهدای عاشورا در کتاب‌ها و سخنرانی‌های مختلف انجام شده است. محمدرضا سنگری در کتاب «آینه‌داران آفتاب»، شهیدان حسینی را به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرده و در مجموع ۱۵۳ شهید کربلا را معرفی کرده است:

دسته اول شهیدان پیشاهنگ نامگذاری شده‌اند، یعنی تعداد ۱۱ تن از شهیدانی که قبل از وقوع حادثه عاشورا در کوفه و بصره به شهادت رسیده‌اند. دسته دوم شهیدان نبرد اول یا شهدای تیرباران صبح عاشورا هستند. دسته سوم شهدای نبرد تن‌به‌تن به‌هنگام پیش از نماز که ۴۷ نفر بودند و شهیدان این مرحله از برجسته‌ترین یاران اباعبدالله‌الحسین هستند. دسته بعدی شهیدان نماز هستند که دو نفر آن را تشکیل می‌دهند. دسته پنجم شهیدان پس از نماز هستند که نبرد تن‌به‌تن با دشمن می‌کردند. گروه بعدی تعداد ۲۴ نفر از شهیدان بنی‌هاشم هستند و گروه هفتم شهیدان پس از امام حسین(ع) و واقعه عاشورا هستند. در این مجال نگاهی داریم به زندگی و شهادت برخی از این یاران.

جون بن خوی

جون خدمتگزار ابوذر غفاری بود. وی پس از رحلت ابوذر در ربذه به مدینه برگشت و خدمت حضرت علی(ع) بود. او مردی آگاه به اسلحه‌شناسی و تعمیر ادوات جنگی بود. پس از شهادت علی(ع) در خدمت امام حسن(ع) قرار گرفت. وقتی مساله حرکت امام حسین(ع) به مکه پیش آمد، به‌همراه آن حضرت از مدینه تا مکه و از آن‌جا تا کربلا آمد و لحظه‌ای از آن حضرت جدا نشد. در روز عاشورا به حضور امام حسین(ع) آمد و اجازه جهاد خواست. امام(ع) به او فرمودند: «ای جون، تو گرچه همیشه با ما همراه بودی، اما اکنون اجازه داری که بروی و از این خطری که ما را تهدید می‌کند خود را نجات دهی». جون گفت: «ای پسر رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم، من در روزهای خوشی و راحتی در کنار شما بودم. آیا شایسته است که به‌هنگام روی آوردن سختی‌ها از شما دست بردارم؟» و او در کربلا حضور داشت و پس از نبردهای بسیار به شهادت رسید. وقتی او وارد معرکه جنگ شد اینگونه رجز می‌خواند:

کیف یری الکفار ضرب الاسود بالسیف ضربا عن بنی محمد
اذب عنهم باللسان و الید ارجو به الجنه یوم الورود

«ای کفار، ضرب شمشیر سیاه را چگونه می‌بینید؟ به شمشیر ضربه‌ای از فرزند محمد(ص)، از آنها با زبان و دست حمایت می‌کنم، در حالی که به بهشت در روز قیامت امیدوارم.»

عمرو بن قرظه انصاری

قرظه انصاری از اصحاب باوفای رسول‌خدا(ص) بود که در جنگ احد شرکت کرد و از مکتب اسلام دفاع کرد. پس از رحلت پیامبر(ص) در کوفه سکونت گزید و در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان در رکاب امیرالمؤمنین(ع) به جهاد پرداخت. نقل می‌کنند وقتی در جنگ بر بدنش زخم بسیار وارد شد، در لحظات آخر ناگهان چشم باز کرد و به امام حسین(ع) عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا، آیا شرط جان‌بازی به‌جای آوردم؟» حضرت فرمودند: «آری، سلام مرا به رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم برسان....».

عمرو بن قرظه، در کربلا از یاران بسیار فعال امام(ع) محسوب می‌شده به‌طوری که همراه سعید بن عبدالله پاسداری و محافظت از امام(ع) را به‌عهده گرفته و در این راه چندین جوبه تیر به سر و سینه‌اش رسیده و مجروح شد، آنگاه از امام(ع) اجازه جهاد خواسته و عازم میدان شده و این رجز را خواند:

قد علمت کتیبه الانصار
ان سوف احمی حوزه الذمار
ضرب غلام غیر نکس شار
دون حسین مهجتی و داری

«سپاه انصار باور دارند که من از اهل حرم دفاع می‌کنم، ضربت من ضربت جوانی سربلند و پیش‌آهنگ است، هستی، جان و مالم فدای حسین(ع) باشد.»

ابوثمامه صائدی (صیداوی)

عمر بن عبدالله، معروف به ابوثمامه، از چهره‌های سرشناس شیعه در کوفه بود که در شجاعت و اسلحه‌شناسی زبانزد خاص و عام بود. وقتی مسلم بن عقیل برای بیعت گرفتن از مردم وارد کوفه شدند، ابوثمامه را مسئول دریافت کمک‌های مالی و تهیه اسلحه کردند.

وی پس از پراکنده شدن مردم از دور مسلم بن عقیل و پیش از شروع درگیری‌های کربلا، خود را از کوفه به کربلا رساند و در زمره یاران امام حسین(ع) قرار گرفت. نقل می‌کنند در روز عاشورا نزدیک ظهر خود را به امام حسین(ع) رساند و به آن حضرت گفت: «جانم فدای تو دشمنان لحظه به لحظه به ما نزدیک‌تر می‌شوند. دوست دارم مانع حرکت آنها به‌سوی شما باشم، هرچند در این راه کشته شوم، اما قبل از شهادت می‌خواهم نماز ظهر را با تو بخوانم». امام(ع) نگاهی به آسمان کردند و فرمودند: «نماز را به یاد ما آوردی؛ خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد.» آنگاه ابوثمامه و جمعی دیگر با امام(ع) به نماز ایستادند. او پس از نماز به میدان رفت و به شهادت رسید.

طبری از مورخین می‌گوید ابوثمامه، پسرعموی خود را که در لشکر عمر سعد بود به هلاکت رساند و درحالی که وارد میدان جنگ می‌شد چنین رجز می‌خواند:

عزاء لآل المصطفی وبنائه — علی خیر الناس بیعة محمد
عزاء لزهراء النبی و زوجها — خزانه علم الله من بعد أحمد
عزاء لأهل الشرق والغرب کله — و حزنا علی خیر الحسین المسدد
فمن مبلغ عن النبی و بنته — بأن ابنکم فی مجهدای مجهد

«تعزیت می‌گویم به آل پیامبر(ص) و دخترانش به‌خاطر گرفتاری نوادگان پیامبر که بهترین انسان‌ها هستند. تعزیت بر حضرت زهرا(س) و همسرش که خزانه علم الهی بود پس از پیامبر(ص). تعزیت بر همه مردمان مشرق و مغرب زمین و انده» برای گرفتاری حسین(ع) راستگو و درست‌کردار. کیست رساننده این پیام از من به حضرت نبی و دخترش که فرزندتان در رنج و سختی است و چه رنج و سختی بزرگی.»

اسلم بن عمرو

اسلم غلامی بود که امام حسین(ع) او را پس از خریداری آزاد کرد. او همیشه در خدمت امام(ع) بود. برخی او را اسلم ترکی هم نامیده‌اند و وی را به ایران و شهر قزوین نسبت داده‌اند. پسرش به‌عنوان کاتب امام حسین(ع) در کنار آن حضرت به‌سر می‌برد. اسلم از همان ابتدا به‌همراه امام حسین(ع) از مدینه خارج شد و لحظه‌ای از امام زمانش جدا نشد. وقتی در روز عاشورا اجازه گرفت که با دشمنان اهل‌بیت(ع) بجنگد این شعر را زمزمه می‌کرد: «امیری حسین و نعْمَ الأمیر، سُرور الفُؤاد البَشیر النّذیر؛ پیشوا و رهبر من حسین(ع) است و حقا که چه رهبر خوبی است. او مایه سرور دل‌ها و بشیر و نذیر است.» وقتی پس از جهاد دلیرانه بر زمین افتاد، امام حسین(ع) او را در آغوش گرفتند و صورت خود را بر صورت او نهادند. اسلم بن عمرو با دیدن این صحنه لبخندی زد و گفت: «چه کسی مثل من از این افتخار برخوردار است که پسر پیغمبر صورت بر صورتش بگذارد؟» این را گفت و جان به‌جان آفرین تسلیم کرد.

برخی از مآخذ و منابع رجز زیر را برای این غلام ذکر کرده‌اند:

أنَا البَحرُ مِنْ طَعنی وَضَربی مُصْطَلی
وَالجَوُّ مِنْ سَهمی وَنَبلی مُمْتَلی
اذا حَسامی فی یمینی یَنْجَلی
یَنْشَقُّ قَلْبُ الحَاسِدِ المُبْتَلی

«دریا از ضربت نیزه و شمشیرم می‌جوشد و آسمان از تیرم پر می‌شود. آنگاه که تیغ در کفم آشکار شود؛ قلب حسود متکبر شکافته می‌شود.»

زهیر بن قین بجلی

از اهالی کوفه و از بزرگان قبیله بجلیه بود که به‌خاطر رشادت‌هایش در جنگ‌های صدر اسلام از جایگاه ویژه‌ای در میان مردم برخوردار بود. هنگامی که زهیر به‌همراه خانواده‌اش از سفر حج بازمی‌گشت در میان راه به کاروان امام حسین(ع) برخورد. امام قاصدی به نزد ظهیر فرستاد و او را برای دیدار دعوت کرد. زهیر پس از دیدار با امام(ع)، با خوشحالی به نزد خانواده‌اش بازگشت و آماده پیوستن به کاروان امام حسین(ع) شد. امام حسین(ع) در روز عاشورا زهیر را به فرماندهی میمنه یا سمت راست سپاه قرار داد. زهیر دو بار در قبل و بعد از نماز به میدان جنگ رفت و طی نبردی دلاورانه ۱۲۰ نفر از اشقیای سپاه عمر سعد را به درک واصل کرد و سرانجام به درجه رفیع شهادت نائل شد.

پس از ادای نماز، زهیر برای امام(ع) این اشعار را خواند:

اقدم هدایاً مهدیا — الیوم تلقی جدّک النّبیا
و حسناً و المرتضی علیا — و ذا الجناحین الفتی الکمیا
و اسد اللهِ الشّهید الحیا

«به پیش ای هدایت شده و راهنما، امروز جدّت نبی اکرم(ص) را دیدار خواهی کرد، و همچنین حسن مجتبی(ع) و علی مرتضی(ع) را و جعفر طیار آن جوانمرد شجاع و حمزه شیر خدا شهید زنده را.»

همچنین رجزهای او در میدان نبرد به این صورت بود:

انا زهیر و انا ابن القین — اذودکم بالسیف عن حسین
ان حسیناً احد السبطین — من عتره البر التقی الذی
ذاک رسول الله غیر المین — اضربکم و لا اری من شین

«من زهیر پسر قین هستم با شمشیر خود از حریم حسین(ع) دفاع می‌کنم. حسین(ع) یکی از دو نواده رسول خدا(ص) است از خاندانی که نیکی و تقوا زینت آنهاست، و اکنون او فرستاده پاک خدا از دو نسل نبوی است و من شما را می‌کشم و عیب نمی‌دانم.»

ادامه از صفحه ۱۲

گفت‌وگو

حجت‌الله جودکی، مترجم و استاد تاریخ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، مطرح کرد

کوتاهی تاریخ در معرفی همه یاران سیدالشهدا(ع)

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

پیش و پس از واقعه عاشورا شخصیت‌هایی بودند که به‌واسطه حمایت و همراهی با امام حسین(ع) و یارانش شهید شدند و البته این تعداد پس از واقعه عاشورا به‌دلیل قیام مختار بیشتر بودند. در روزهای تاسوعا و عاشورا نیز تعداد شهدای همراه امام حسین(ع) با تفاوت‌هایی گفته شده است. تحریفات آگاهانه یا ناآگاهانه برای هر واقعه تاریخی ممکن است اتفاق بیفتد و حماسه سیدالشهدا(ع) هم از این قاعده مستثنی نیست. درباره عدد یاران ایشان در کربلا روایت‌های مختلفی وجود دارد، اما آنچه در این قرصت درباره آن قرار است صحبت شود یاران گمنام آن حضرت است که بنا به دلایل مختلف، منابع و اطلاعات کمی درباره آنها وجود دارد. استاد حجت‌الله جودکی، پژوهشگر و مترجمی است که درباره وقایع دینی و تاریخی تحقیقات و تالیفات متعددی داشته و «مقتل ابومخنف» توسط وی گردآوری و ترجمه شده است. با وی درخصوص یاران کمتر شناخته‌شده امام حسین(ع) هم‌صحبت شدیم.

دروافعه عاشورا تعدادی از یاران امام حسین(ع) شهید شدند که اطلاعات کمی از آنها داریم. درباره افرادی که قبل یا بعد از روز واقعه هم شهید شدند، اطلاعات کاملی وجود ندارد. به چه دلایلی اطلاعات ناقص یا کمی از برخی یاران و همراهان سیدالشهدا(ع) وجود دارد و حوادث روز عاشورا از چه راه‌هایی به‌دست ما رسیده است؟

تاریخ گاهی مواقع کوتاهی کرده است یا به‌دلایل مختلفی مانند حب و بغض‌ها این اطلاعات به‌دست ما نرسیده است. به همین علت اطلاعات ما اندک است. دروافعه کربلا فقط یک خبرنگار وجود داشته است که اونیز خبرنگار جنگی بوده و آن‌هم از طرف سپاه عمر سعد حضور داشته است. با اینکه از سوی عبدالله ابن زیاد با سپاه همراه شده بود، ولی فرد منصف و سلیم‌النفسی بوده و با وجود اینکه در سپاه دشمن امام حسین(ع) بود، احساس می‌شود گرایش‌هایی از انسانیت در او وجود داشته، چون کارهای مهمی در آن مدت انجام داده بود. ۱۱ روایت مهم واقعه کربلا را دوروز کرده است. وقتی این خبرنگار روایت می‌کند از خلال کلمات او فهمیده می‌شود مردی بسیار آزاده بوده است. دلیل دیگر من برای آزادگی وی وقتی است که مختار به کوفه آمد و همه قاتلان کربلا را دستگیر کرد، این فرد را به‌خاطر آزادگی اش رها کرد. به‌صورت علت اینکه برخی اخبار به‌دست ما نرسیده، همین منابع محدود است. ما نمی‌توانیم به منابعی که ازدست ما نرسیده، همین منابع محدود است. ما نمی‌توانیم به منابعی که ازدست ما نرسیده، همین منابع محدود است. ما نمی‌توانیم به منابعی که افتاده یا خیر. اینکه آن فرد وحرض اصالت دارد یا خیر اهمیت دارد. شخصا از گفتن مطالبی که حالت شک و تردید دارد، خودداری می‌کنم، چون بدون اطلاعات حرف زدن دیگر کافی است. درموضوع محرم مطلبی نوشته‌ام که تمام مفاسد مشهور را معرفی کرده‌ام.

درباره یاران امام حسین(ع) صحبت و تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده و تبارشناسی و شخصیت‌شناسی کرده‌اند، اما درباره یارانی که کمتر درباره آنها اطلاعات به ما رسیده یا کمتر درباره‌شان صحبت می‌شود، حرف بزنیم. چقدر در کربلا تاثیرگذار بودند؟ جطور با امام حسین(ع) و عقیده‌اش آشنا شدند؟

اجازه بدهید به‌عنوان نمونه یک شخصیت را معرفی کنم. شخصیتی که می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم پیرمردی سالخورده بود که در آخر حوادث مختلف چشمان خود را نزاز دست داد.

او عبدالله بن عفیف ازدی است؛ عضویکی از قبیله‌های معروف کوفه که اکثرا طرفدار امام علی(ع) بودند. او در دوجنگ معروف که در کوفه در زمان امیرالمومنین(ع) رخ داد چشمان خود را از دست داد؛ یکی در جنگ جمل و دیگری در جنگ صفین. در جنگ صفین ابروی او ضربه خورد و به‌مرور ایام تنها چشمی که داشت نیز نابینا شد. عبدالله بن عفیف ازدی از آن به‌بعد معمولا خانه‌نشین بود و هر روز در مسجد کوفه حاضر می‌شد و نمازهای خود را آنجا می‌خواند. وقتی ماجرای کربلا رخ داد و خاندان امام حسین(ع) را از کربلا به کوفه آوردند، عبیدالله ابن زیاد که آن زمان از طرف یزید پسر معاویه حاکم کوفه بود، فراخوان داد مردم در مسجد جمع شوند.

او می‌خواست خبر پیروزی خود را اعلام کند. مردم در مسجد کوفه جمع شدند تا بفهمند چه خبر شده است. آنجا وقتی ابن‌زیاد به مسجد آمد و روی منبر رفت، گفت: «ستایش می‌کنم خدایی را که حق و حلال را آشکار و امیرالمومنین یزید ابن معاویه و گروه او را پیروز کرد و دروغگو حسین بن علی و پیروانش را کشت.» وقتی صحبت به اینجا رسید عبدالله بن عفیف ازدی که یک آزاده ضد ظلم و ستم بود، نتوانست تاب بیاورد و بلافاصله بلند شد و جواب این زیاد را داد. به او گفت: «ای پسر مرجانه! ــ به این دلیل پسر مرجانه می‌گفتند که وقتی در میان اعراب می‌خواستند کسی را تحقیر کنند به نام مادرش او را می‌خواندند. دروغگو تو و پدرت و یزید و پدرش هستید که شما را والی کردند. ای پسر مرجانه! آیا فرزند پیامبر را می‌کشید وچنان راستگویان سخن می‌رانید؟»

ابن‌زیاد او را خواست ونگهبانانش او را دستگیر کردند. عبدالله بن عفیف از افراد قبیله خود کمک گرفت. آنها که در مسجد حاضر بودند هجوم بردند و او را از چنگال افراد عبیدالله نجات دادند و به خانه‌اش بردند، ولیکن عبیدالله شبانه افرادی را فرستاد که پیرمرد را نزد او ببرند، سپس او را کشت؛ ابن‌زیاد دستور داد در بانقلابی به دار آویخته شود. این بود ماجرای عبدالله بن عفیف ازدی که به‌صورت خلاصه بیان کردم. وقتی شمشیر کشیدند و دستگیرش کردند، او دو دخترش تنها در خانه زندگی می‌کردند. دخترش به او خبر آمدن افراد ابن‌زیاد را داد، ولی عبدالله گفت مهم نیست، شما فقط شمشیر را به من بده.

او جلوی در خانه محاصبه کرد؛ از چه سمتی ممکن است آنها بیایند، شمشیر را به آن سمت چرخاند و با آنها مبارزه کرد، اما سرانجام دستگیر شد. عبدالله یکی از افراد پس از واقعه کربلاست که بلافاصله یک، دو روز بعد از واقعه دستگیر شد و اینچنین کشته شد.

تاریخ درباره تعداد و هویت این افراد صحبت کرده است؟ کسانی که پیش یا پس از واقعه عاشورا شهید شدند.

بله، چند فرد مهم از نظر شخصیتی دارید، ولی در کربلا زیاد از آنها یاد نمی‌شود. کسانی که شهید شدند، یعنی از ابتدای قصه امام حسین(ع) تازمانی که خاندان ایشان به مدینه برمی‌گردند تعدادی دستگیر و کشته می‌شوند که در جنگ هم شرکت نداشتند و به‌صورت گمنام باقی مانده‌اند. تنها کسی که قدری از آن بیشتر تحلیل می‌کنیم عبدالله بن عقیل است که در کوفه قبل از ماجرای کربلا کشته شد، یعنی وی هشتم ذی‌الحجه در کوفه شهید شد. افراد دیگری هم اینچنین بودند که قبل از واقعه یا بلافاصله بعد از واقعه توسط دستگیران کشته شدند که اینها جزء حق‌طلبان محسوب می‌شوند. افرادی بودند که توانستند محاصره کوفه را بشکنند و همراه دو، سه نفر به یاران امام حسین(ع) بپیوندند. زمانی که امام(ع) به‌سمت کوفه می‌آمد، عبیدالله ابن‌زیاد به کوفه وارد شد و دستور داد کوفه محاصره نظامی شود تا کسی حق ورود و خروج نداشته باشد. اگر کسی می‌خواست خارج شود، دستگیر می‌شد.

فیلم «سفیر» که آقای قریبیان در آن بازی کرده، ماجرای یکی از این افراد را نشان می‌دهد که آقا زهیر قریبیان در آن بازی کرده، ماجرای یکی از این افراد را نشان می‌دهد که از یاران امام حسین(ع) بود و می‌خواست پیام ایشان را برساند. در فیلم قیس بن مسهر گفته شده ولی قیس بن مُسهر است. در آن فیلم چون به آن تلفظ او را صدا زدند، الان نمی‌توان این را اصلاح کرد. از این موارد داریم که بسیار مهم هستند و نقش‌های کلیدی هم داشته‌اند.

یادداشت

تعداد و اسامی شهدای قیام امام حسین(ع)

حجت‌الله جودکی
پژوهشگر تاریخ

برای رسیدن به رقم دقیق شهدای قیام امام حسین(ع) باید چند نکته را در نظر گرفت؛ زیرا این ارقام در کتاب‌های تاریخی و مقاتل با یکدیگر متفاوت است. نخستین بار عدد ۷۲ تن شهید را ابومخْنَف لوط بن یحیی ازدی به‌کار برده که هم او نخستین مقتل را نگاشته است. وی در بخشی از روایت شماره ۶۶ می‌نویسد: «حسین یاران خود را آماده نموده و نماز صبح را با آنان برگزار کرد؛ سی‌ودو سوار و چهل پیاده همراه او بود. او زهیر بن القین را فرمانده جناح راست و حبیب بن مظاهر را فرمانده جناح چپ یاران خود قرار داد و پرچم را به‌دست عباس بن علی سپرد. با جمع سی‌ودو سوار و چهل پیاده به رقم ۷۲ نفر می‌رسیم[1]. ابومخْنَف بعد از روایت ۱۱۲ چنین می‌نویسد: «وقتی حسین بن علی(ع) کشته شد؛ سرهای کسانی از اهل‌بیت، شیعیان و یارانش را که همراه او کشته شدند، به‌نزد عبیدالله بن زیاد بردند. قبیله کنده به‌سرپرستی قیس بن اشعث، سیزده سر، قبیله هوازن، به‌سرپرستی شمر بن ذی‌الجوشن بیست سر، قبیله تمیم با هفده سر، قبیله بنی اسد با شش سر، قبیله مذحج با هفت سر و سایر افراد سپاه با هفت سر که جمعا هفتاد سر می‌شود[2]»؛ به نظر می‌رسد مورخان بعدی رقم ۷۲ برای شهدای کربلا را از روایت ۶۶ ابومخْنَف گرفته‌اند. یعنی آنان تعداد سپاه امام را ملاک رقم شهدای کربلا دانسته‌اند که البته درست نیست، زیرا از میان این ۷۲ نفر سپاهی چند نفر جان به‌در بردند، مثل ضحاک بن عبدالله مشرقی[3] که در پایان جنگ با رخصت امام حسین(ع) از کربلا گریخت. یا عقبه بن سمعان غلام رباب دختر امرؤالقیس کلبی همسر امام حسین(ع)[4] که پس از شهادت امام از صحنه درگیری فرار کرد و توسط سپاه دشمن اسیر شد. یا مرقع بن ثمامه اسدی[5] که از یاران امام بود و در پایان جنگ برخی از اقوامش که در سپاه دشمن بودند، برایش امان‌نامه گرفتند و عبیدالله هم او را به زاره[6] تبعید کرد یا غلام عبدالرحمن بن عبد ربه انصاری که در کربلا حضور داشت و راوی بعضی از روایات ابومخْنَف است. در مقابل، ابومخْنَف اسامی افرادی را نقل می‌کند که در زمره جنگجویان سپاه امام حسین(ع) نبوده، ولی در جنگ شهید شده‌اند؛ مثل زلمی کلبی[7]، علی اصغر[8]، نوجوانی از خاندان حسین[9] و... بنابراین باید پذیرفت که به احتمال قوی عدد شهدا همان هفتاد نفر بوده است. ابومخْنَف در کتابش وقتی تعداد شهدا و قاتلان آنها را به اسم نام می‌برد، تعداد آنها حدود ۵۳ نفر شهید می‌شود. اسامی این شهدا بر اساس حروف الفبایی و به همراه نام قاتلان بشان و کم رقم افرادی نظیر مسلم بن عقیل، هانی بن عروه، عبدالله بن بقطر، قیس بن مسهر، عبدالاعلی کلبی و عماره بن صلخب بودند که قبل از واقعه کربلا شهید شدند و نیز عبدالله بن عفیف ازدی غامدی[10] که بعد از واقعه کربلا و هنگام حضور اسرا در کوفه، پس از اعتراض به سخنان ناروای عبیدالله بن زیاد در دستگیر و به شهادت رسید. تعداد بازمیان جمعا هفت نفر می‌شود. برخی با اتکا بر فهرست اسامی یاران مسلم در کوفه آنها را در جمع شهدا جا داده‌اند. در حالی که تفاوت زیادی میان کسانی وجود دارد که در کوفه به مسلم پیوستند و سپس او را تنها گذاشتند یا کسانی که در طول مسیر مکه تا کوفه به امام پیوستند و شهادت هم میان آنها و امام حسین(ع) فاصله نینداخت. مانسفانه در کتب مقاتل بعدی اسامی شهدای قیام امام حسین(ع) به‌درستی ضبط نشده و گاهی اسامی دیگری از سپاه عمر بن سعد در فهرست اسامی شهدا نقل شده است که نقد و بررسی آنها در این مقال نمی‌گنجد. اسامی شهدای کربلا که در ذیل می‌آید، با استفاده از کتاب «شهدای کربلا»، گردآورنده مقتل الحسین ابومخْنَف، فراهم شده است. شهدایی که قبل و اندکی بعد از شهادت امام حسین(ع) در کوفه و... شهید شدند.

پی‌نوشت:

۱. قیام جاوید/ گردآورنده مقتل الحسین ابی مخنف/ ترجمه و تصحیح حجت‌الله جودکی/ موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان/ ۱۳۷۷/ ص ۷۸
۲. همان منبع/ ص ۱۳۰
۳. همان منبع/ ص بیست و دو
۴. همان منبع/ ص بیست و یک
۵. همان منبع/ ص بیست و دو
۶. مکانی در بحرین که به بدی آب‌وهوا معروف است.
۷. قیام جاوید/ روایت ۸۴
۸. همان منبع/ روایت ۹۳
۹. همان منبع/ همان روایت
۱۰. همان منبع/ روایت ۱۰۵

اسامی شهدای قیام امام حسین(ع) به نقل از مقتل‌الحسین ابومخْنَف به ترتیب الفبایی نام شهدا

ردیف	نام شهید	نام قاتل
۱	ابوبکر بن حسن بن علی	عبدالله بن عقبه الغنوی
۲	ابوثمامه صائدی +	ناشناس
۳	ابوبکر بن حسن بن علی	عبدالله بن عقبه الغنوی
۴	ابوبکر بن علی (در شهادتش تردید وجود دارد)	ناشناس
۵	بربر بن حضیر همدانی	کعب بن جابر بن عمرو ازدی
۶	بشیر بن عمرو حضرمی +	ناشناس
۷	جابر بن الحارث سلمانی	ناشناس
۸	جعفر بن عقیل بن ابی‌طالب	عبدالله بن عزره خلعمی و در روایت ۱۱۲ به دست بشر بن حوط همدانی قابضی
۹	جعفر بن علی	هانی بن ثبیت الحضرمی
۱۰	حبیب بن مظاهر	مردی از بنی‌تمیم
۱۱	حر بن یزید	ناشناس
۱۲	حنظله بن اسعدالشبامی	ناشناس
۱۳	حنفی/ احتمالا همان سعید بن عبدالله حنفی است	ناشناس
۱۴	حوی غلام ابوذر غفاری +	ناشناس
۱۵	زلمی کلبی (امءوهب)	رستم غلام شمر بن ذی‌الجوشن
۱۶	زهیر بن القین	کثیر بن عبدالله الشعبی و مهاجر بن اوس
۱۷	سعد غلام عمر بن خالد	ناشناس
۱۸	سعید بن عبدالله حنفی +	ناشناس
۱۹	سلیمان غلام حسین بن علی	سلیمان بن عوف حضرمی
۲۰	سوید بن عمرو بن ابی‌المطاع خثعمی (آخرین شهید)	عروه بن یطار تغلبی و زید بن رقاد جنبی
۲۱	سیف بن الحارث بن سریع	ناشناس
۲۲	شوذب غلام عابس	ناشناس
۲۳	عابس بن ابی‌شبیب شاکری	ناشناس
۲۴	عباس بن علی	زید بن رقاد جنبی و حکیم بن طفیل سنبسی
۲۵	عبدالرحمن بن عزره غفاری	ناشناس
۲۶	عبدالرحمن بن عقیل بن ابی‌طالب	عثمان بن خالد بن اسیر جُهَنی و بشر بن حوط همدانی قابضی
۲۷	عبدالله بن حسن بن علی	حرمله بن کاهن
۲۸	عبدالله بن حسین ـ کودک	فردی از قبیله بنی‌اسد
۲۹	عبدالله بن حسین بن علی فرزند رباب	هانی بن ثبیت الحضرمی
۳۰	عبدالله بن عزره غفاری	ناشناس
۳۱	عبدالله بن علی	هانی بن ثبیت الحضرمی
۳۲	عبدالله بن عمیر کلبی (دومین شهید)	هانی بن ثبیت الحضرمی و یکیر بن حی تمیمی
۳۳	عبدالله بن مسلم بن عقیل	عمرو بن صبیح صدائی و یا اسید بن مالک حضرمی
۳۴	عبدالله بن یزید بن نبیط +	ناشناس
۳۵	عبدالله بن یزید بن نبیط +	ناشناس
۳۶	عثمان بن علی بن ابی‌طالب	خولی بن یزید اصبحی
۳۷	علی‌اکبر بن حسین	مرّه بن منقذ بن نعمان عبدی لیثی
۳۸	عمر بن خالد صیداوی	ناشناس
۳۹	عمرو بن قرظه بن کعب	ناشناس
۴۰	عون بن عبدالله بن جعفر	عبدالله بن قطبه طائی نبهانی
۴۱	قاسم بن حسن بن علی	سعد بن عمرو بن نفیل ازدی
۴۲	مالک بن عبد بن سریع	ناشناس
۴۳	مجمع بن عبدالله عائذی	ناشناس
۴۴	محمد بن ابی‌سعید بن عقیل	لقیط بن یاسر جهنی
۴۵	محمد بن عبدالله بن جعفر	عامر بن نهشل تیمی
۴۶	محمد بن علی	مردی از قبیله بنی‌ایان بن دارم
۴۷	مسلم بن عوسجه(نخستین شهید)	مسلم بن عبدالله ضَبّابی و عبدالرحمن بن ابی‌خشکارة بجلی
۴۸	مُنَجّح غلام حسین بن علی	ناشناس
۴۹	نافع بن هلال جملی	شمر بن ذی‌الجوشن
۵۰	نوجوانی از خاندان حسین	بحر بن کعب بن عبیدالله از قبیله بنی‌تیم الله بن ثعلبة بن عکابه
۵۱	یزید بن زیاد (ابوالشعثا)	ناشناس
۵۲	یزید بن نبیط +	ناشناس
	شهدایی که قبل و اندکی بعد از شهادت امام حسین(ع) در کوفه و... شهید شدند	
۵۳	مسلم بن عقیل	ناشناس
۵۴	هانی بن عروه	رشید غلام ترک عبیدالله بن زیاد
۵۵	عبدالاعلی کلبی/ بعد از مسلم	ناشناس
۵۶	عماره بن صلخب/ بعد از مسلم	ناشناس
۵۷	قیس بن مسهر صیداوی/ قبل از مسلم	ناشناس
۵۸	عبدالله بن بقطر/ قبل از مسلم	عبدالملک بن عمیر لخمی
۵۹	عبدالله بن عفیف ازدی غامدی/ بعد ازامام‌حسین(ع)	ناشناس

نگاه

از سور تا سوگ

آراز مطلب‌زاده
منتقد سینما

اکنون پس از ۲۶ سال با صراحتی تمام می‌توان اذعان کرد فیلم «روز واقعه» قله‌ای است رفیع و فتح نشده در عرصه نمایش و سینمای عاشورایی. اگرچه می‌توان آثار متعددی را در تاریخ تئاتر، سینما و تلویزیون نام برد که هرکدام از منظرگاهی متفاوت سعی در ترسیم هنری حماسه کربلا داشته‌اند اما روز واقعه دربردارنده عناصر و ویژگی‌هایی است که در هیچ اثر نمایشی دیگری ابدا تکرار نشده است. در نخستین مواجهه با این ادعا لاجرم باید مانداگی اثر و برتری اش در نسبت با سایر آثار ساخته شده در این حوزه را از جانب مختلفی سبب‌شناسی کرد. با این وجود از هر مدخلی که بخواهیم بحث را پی بگیریم بی‌تردید مکرر باید نام بهرام بیضایی خواهیم رسید و دقیقا اولین تمایز روز واقعه از سایر آثار همگی‌اش شاید نخستین سینماگری باشد که نه از دل جریان روشنفکری مذهبی بلکه در قامت یک روشنفکر عرفی و علاقه کربلا پرداخته است و چه‌بسا همین امر خود سبب اتفاقات زیادی برای روز واقعه شد. فیلمنامه اثر یک دهه پس از نگارش و با حواشی بسیاری ساخته شد. بنا به دلایلی اجازه و امکان ساخت اثر از خود بیضایی سلب شد. کارگردانی اثر در طول چند سال به افراد مختلفی واگذار شد و درنهایت هم فیلمنامه بیضایی با حذفیات متعددی ساخته شد. با این حال مطلقا نمی‌شود منکر این حقیقت شد که محصول نهایی از حیث مضمون، ساختار و شیوه روایی تماما مدیون و مرهون خود شخص بیضایی است و به‌معنی حقیقی کلمه برآمده از جهان نمایشی وی. این موضوع را می‌توان از ابعاد گوناگون واکاوی کرد. نخست باید اذعان کرد کمتر کسی را می‌توان در تاریخ هنرهای نمایشی نام برد که به همان میزان که درام‌نویس است، اسطوره‌شناس و پژوهشگر هم هست. جهان نمایشی بهرام بیضایی را می‌توان در سه سطح کلی بررسی کرد: تاریخ (فهم دقیق و جامع از تاریخ باستان، تاریخ اساطیر و اساطیر)، درام (فرم روایی منحصربه‌فرد و چند وجهی) و زبان (شاعرانه، آرکائیک، استعاره گون و موزون).

با این حال روز واقعه از جزیی فراتر از این سه ویژگی کلی بهره‌مند است و این علم چیزی نیست جز نسبت تکانتگ و دیرینه بیضایی با میراث نمایشی فرهنگ عاشورا. میراثی که بیضایی خود آن را بسیار گرانبهامی‌شمارد. اگر بنابر مکتوبات و نگارش‌های خود بیضایی بخواهیم این نسبت را دیابی و پیگیری کنیم درنهایت به کتاب مهم وی تحت عنوان «نمایش در ایران» خواهیم رسید. او در این کتاب که در نخستین سال‌های جوانی اش نوشته «تاریخچه گونه‌های مختلف نمایشی در ایران با بررسی کرده و یک فصل مفصل را به تعزیه، این میراث گرانبهای نمایشی تشیع، اختصاص داده است. او تعزیه را عاملی مهم در بالندگی نمایش در ایران می‌شمارد و ادامه می‌دهد که تعزیه، تنها نشان‌دهنده یک قصه مذهبی ساده نیست. بلکه محور اصلی این نمایش‌ها، ماجرای تسلیم و زندگی در برابر پادیاری و نابودی است. جنگ خیر و شر یا حق و ناحق، و ایستادگی به خاطر اعتقاد به عدالت آسمانی مطرح است و قهرمانان تعزیه، نابودی را بر تن‌دگی زیر سلطه غاصبان و جباران ترجیح می‌دهند. اما اگر بخواهیم از نگارش‌ها و مکتوبات بیضایی کمی فراتر رویم و ریشه‌های